

میرزا آقاخان نوری و مرده ریگ اصلاحات امیر کبیر

رضا شعبانی*

فریبا صنعتی**

چکیده

میرزا آقاخان نوری یکی از شخصیت های سیاسی تاریخ ایران است که در دوران قاجاریه ایفای نقش نمود. وی در دوران محمد شاه به مقام وزارت لشکر رسید و در زمان ناصرالدین شاه نیز پس از امیر کبیر در فاصله سال های ۱۲۷۵-۱۲۶۸ ه.ق مقام صدارت یافت. امیر کبیر در دوران صدارت خویش برای برون رفت ایران از مشکلات اصلاحاتی در زمینه های مختلف انجام داد. در این مقاله، پرسش اصلی که مورد بحث قرار می گیرد عبارت است از این که آیا اصلاحات امیر کبیر در دوران صدارت نوری عقیم ماند و یا تکمیل و ادامه یافت؟ بر این مبنا پژوهش حاضر می کوشد تا به شیوه توصیفی-تحلیل تاریخی چگونگی مواجهه میرزا آقاخان نوری به عنوان صدراعظم با اصلاحات امیر کبیر را به بحث و بررسی گذارد. میرزا آقاخان همواره به دنبال کسب مقام صدارت بود و خود را شایسته این مقام می دانست و با توجه به ویژگی های شخصیتی وی، برای رسیدن به این مقام به هر اقدامی دست می زد. در پذیرفتن صدارت نیز عزل و قتل امیر کبیر را در فهرست شروط خود گنجانده بود. از این رو در

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی.

** دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، Faribasanati1352@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱

تحریک و تشویق به قتل امیر با همدستی ملکه مادر، مهد علیا بی‌تقصیر نیست و این بزرگ‌ترین خطای میرزا آقاخان در دوران حیات سیاسی‌اش بود.

کلیدواژه‌ها: قاجاریه، ناصرالدین شاه، امیرکبیر، اصلاحات، میرزا آقاخان نوری.

۱. مقدمه

هم زمان با حکومت قاجاریه انقلاب صنعتی در مغرب زمین آغاز شد. گرچه، ایران در ابتدای امر به دلایلی چند از خیل قافله متمدن عقب ماند اما اوضاع آشفته اجتماعی و اقتصادی ایران، حضور بیگانگان و رقابت استعماری آنان و تماس ایرانیان با غرب اصلاحات را در ایران ضروری ساخت. آشنایی با غرب سبب شد تا برخی از دولتمردان با اندیشه‌ی تحول ایران گام در این وادی گذارند. آغازگر این حرکت عباس میرزا بود که در جریان جنگ‌های ایران و روس به ضرورت این تحولات پی برده بود. اما مرگ زود هنگام او دنباله‌ی کار را به امیرکبیر رساند. امیرنیز اقداماتی در زمینه‌ی مالی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی انجام داد. پس از عزل و قتل امیرکبیر مقام صدارت به میرزا آقاخان نوری ۱۲۷۵-۱۲۶۸ ه.ق رسید. هر چند قرار گرفتن دوران صدارت نوری در میان دو دوره اصلاحات یعنی صدارت امیرکبیر از یک سو و با فاصله‌ای چند صدارت میرزا حسین خان سپهسالار از سوی دیگر موجب کم توجهی اهل قلم نسبت به حوادث این دوران شده است، اما پژوهش حاضر به دنبال این است که سرانجام اصلاحات امیرکبیر را در دوران صدارت نوری مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش، مسأله اصلی این است که مواجهه نوری با اصلاحات امیر کبیر چگونه بوده است؟

هر چند در مورد امیرکبیر پژوهش‌های بسیاری انجام شده است و هم‌چنین در میان پژوهش‌های جدید به شخصیت میرزا آقاخان نوری خواه با رویکردی جانبدارانه و یا دیدی میانه پرداخته شده است، اما هیچ کدام به طور اخص به سرانجام اصلاحات امیر کبیر در دوران صدارت نوری نپرداخته‌اند. برخی از نویسندگانی که در دوران قاجار به تحقیق و مطالعه پرداخته‌اند نظیر لمبتون، آبراهامیان، واتسن، سوداگر، اشرف، فشاهی و

... درباره وضعیت آن دوران مطالبی نگاشته‌اند. آدمیت در کتاب امیرکبیر و ایران به تفکر ایجاد صنایع جدید از طرف امیرکبیر اشاره می‌کند اما به تأثیر این اقدامات بر روی پایه‌های حکومت قاجار اشاره‌ای نمی‌کند (فریدون آدمیت، ۱۳۸۵).

در این مقاله، به ذکر اصلاحات امیرکبیر در زمینه سیاست داخلی و خارجی پرداخته و سپس کارنامه میرزا آقاخان در رابطه با اصلاحات امیرکبیر، با عنوان میراث داری امیرکبیر و تغییر مسیر در اصلاحات امیرکبیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش تحقیق حاضر، از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است و نیاز به فرضیه ندارد. روش این تحقیق، روش تاریخی و مبتنی بر تجزیه و تحلیل اسناد، منابع و مدارک تاریخی است و ابزار گردآوری داده‌ها نیز فیش برداری و نیز به صورت روش کتابخانه‌ای (اسنادی) عبارت‌اند از کلیه کتاب‌های علمی و تخصصی در زمینه مورد پژوهش، مقالات علمی و پژوهشی، اسناد و مدارک دست اول، آرشیو سازمان‌های رسمی، سایت‌های اینترنتی آکادمیک.

۲. اصلاحات امیرکبیر

دوران صدرات امیرکبیر از بیست و دوم ذی‌قعدة ۱۲۶۴ ه.ق تا نوزدهم محرم ۱۲۶۸ ه.ق به طول انجامید. در طی این دوران امیرکلیه امور کشوری، لشکری و پیشکاری دربار را به عهده داشت و بنا به ضرورت برای تغییر وضع ایران دست به اقدامات و اصلاحاتی زد اما اصلاحات وی منافع برخی را برنتافت و درصدد عزل و در نهایت قتل امیر برآمدند. امیرکبیر در زمینه سیاست داخلی و خارجی اقدامات فراوانی انجام داد.

۱.۲ سیاست داخلی

درسیاست داخلی به دنبال ایجاد یک دولت نیرومند مرکزی بود. شاید بتوان گفت در دوره قاجار هیچ گاه قدرت مرکزی به حد روزگار امیر نرسیده و هیچ گاه اداره امور کشور به آن اندازه متمرکز نشد (آدمیت، ۱۳۵۴: ۲۱۴). امیر در شیوه حکومتی فضیلت

رضا شعبانی و فریبا صنعتی ۲۱۱

سالاری را پیشه کرد و هرکس راکه شایسته دید وارد نظام دیوان سالاری کرد. بسیاری از دولتمردان مصلح و متجدد عصر ناصری از برکشیدگان وی می باشند (رحمانیان، ۱۳۸۳: ۶۵).

در زمینه نوع نظام سیاسی برخی اسناد و شواهد حاکی از آگاهی امیرکبیر از نظام های حکومتی اروپا به ویژه نظام سیاسی کشورهای ژرمنی است. وی در بعضی از گفتارهای خویش از برخی مفاهیم سیاسی جدید از قبیل ملت، آزادی و غیره نام برده است (آدمیت، ۱۳۵۴: ۲۰۷).

در زمینه اداری به اصلاح تشکیلات اداری کشور همت گماشت و به تعیین مشاغل و میزان حقوق و مقرری هر شغل و مبارزه با تنبلی و سستی کارمندان دولت، جلوگیری از رشوه خواری، اصلاح وضع چاپارخانه های دولتی، ایجاد قراولخانه در راه ها برای حفظ چاپارها و محمولات پستی، نظارت بر اعمال کارکنان عالی رتبه دولت و حکام ولایات پرداخت. ایجاد تذکره عبور و مرور به منظور نظم در ورود و خروج از کشور و افزایش درآمد های دولت از دیگر اقدامات امیر بود (اعتماد السلطنه، ج ۳؛ ۱۳۶۷: ۱۷۱۳).

در زمینه فرهنگی باید امیرکبیر را بانی و مؤسس فرهنگ نوین ایران دانست. ایجاد روزنامه وقایع الاتقاقیه، تأسیس مدرسه دارالفنون، ایجاد مدرسه ای به سبک دارالفنون در تبریز، ایجاد چاپخانه های جدید، انتشار کتاب های فنی و بهداشتی، ترجمه کتاب های اروپایی، بازکردن باب روزنامه های فرنگی به ایران، اعزام محصلین به اروپا و استخدام معلمین اروپایی از جمله اقدامات فرهنگی امیر است که در حقیقت به بخشی از آمال اصلاح طلبانه خود جامه عمل پوشاند (محبوبی اردکانی، ج ۱، ۱۳۷۴: ۲۸-۲۷).

در زمینه ی امور مالی امیرکبیر به سروسامان دادن امور مالی و خزانه پرداخت. امیر در ابتدای صد ارتش با کسری بودجه و فرار حکام از پرداخت عوارض و مالیات روبه رو بود ولی توانست با اقتدار مالیات های عقب افتاده را وصول کند و عایدات دولتی را افزایش دهد. وی هم چنین به تعدیل مالیات ها پرداخت (محبوبی اردکانی، ج ۱، ۱۳۷۴: ۱۶۴).

امیرکبیر در زمینه اقتصادی به امور صنعتی و کشاورزی هر دو اهمیت می داد و به تأسیس کارخانه‌های تصفیه شکر و قند سازی، بلور سازی، کاغذ سازی، حریر بافی، تهیه ماهوت و چلووار و کارخانه نخ ریزی پرداخت. اعزام صنعتگران و کارگران فنی به ممالک اروپایی برای کارآموزی، تأسیس نمایشگاه کالاهای صنعتی ایران در پایتخت و تشویق صنعتگران از دیگر اقدامات امیر می باشد (اعتمادالسلطنه، ج ۳، ۱۳۶۷: ۱۷۱۳-۱۷۱۲).

امیر موفق شد شیلات دریای خزر را از دست روس ها بیرون آورده و به ایرانیان واگذار کند. محدود ساختن واردات، افزایش صادرات و رونق تجارت داخلی و خارجی از دیگر اقدامات اقتصادی امیرکبیر بود (واتسون، ۱۸۵۸: ۳۹۴).

در زمینه امور نظامی وقتشون را به تعیین جیره و مواجب معین برای افسران و سربازان، ایجاد کارخانه اسلحه سازی، تهیه لباس نظامی به سبک ارتش اتریش ولی با پارچه ایرانی، ایجاد درجه های نظامی، جلوگیری از تعدی سربازان به اموال مردم، مشخص کردن صفوف ارتش، تهیه و نشر کتاب هایی درباره فنون نظامی، بنای عمارت توپخانه در تهران و چندین سربازخانه در خارج از پایتخت و شهرستانها پرداخت (اعتمادالسلطنه، همان، ۱۳۶۷: ۱۷۱۲).

امیرکبیر به ایجاد نیروی دریایی و دادن سفارش کشتی دریایی، ایجاد فوج های سرحدی از ایلات و عشایر پرداخت این امر از سویی موجب امنیت در سرحدات می شد و هم موجب اطاعت ایلات دور افتاده از دولت مرکزی می شد و "درحقیقت قدرت و تدبیر را به هم آمیخت" (آدمیت، ۱۳۵۴: ۲۱۴). هم چنین به منظور جلوگیری از تمرد حاکمان و سرداران مناطق، آن ها را به مأموریت هایی خارج از حوزه حکومت شان می فرستاد.

۲.۲ سیاست خارجی

در زمینه سیاست خارجی امیر اداره سیاست خارجی و مسئولیت وزارت امور خارجه را خود به دست گرفت و دستگاه وزارت امور خارجه را توسعه داد و به تأسیس سفارت خانه های دائمی در لندن و پترزبورگ، ایجاد کنسولگری در هند و عثمانی و قفقاز پرداخت و از تماس و رفت و آمد عمال دولت با مأمورین خارجی جلوگیری کرد و با اقداماتی از جمله ثبت و ضبط مکاتبات سیاسی، منع خارجیان در خرید املاک در ایران، جلوگیری از ورود کشتی های جنگی و تجاری به مرداب انزلی و ایجاد گذرنامه و تذکره برای ایرانیان عازم خارج به اعتلای ایران در امور خارجه و جلوگیری از دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور پرداخت و دست انگلیس و روس را از این مملکت در اندک مدتی کوتاه کرد (خانبابایی، ج ۲، ۱۳۷۵: ۱۰۵). اقداماتی چون ایجاد امنیت داخلی و برانداختن شورش های داخلی، اصلاح سیستم نظامی، قطع مستمری های افراد تحت الحمایه روس و انگلیس و ایجاد نیروی دریایی از جمله مواردی بود که با مخالفت روس و انگلیس رو به رو بود (آدمیت، ۱۳۵۴: ۲۲۱).

تنظیم دفتر اسناد سیاسی از دیگر کارهای امیر بود که در واقع آرشیو وزارت امور خارجه امروزی است. وی هم چنین در نگهداری اسناد اهتمام بسیار داشت. امیر کبیر به مسأله مرزهای شرقی توجه خاصی داشت و با تلاش او بود که حاکمیت ایران در آن جا مستقر ماند. امیر با همراهی تیپوسلطان، راجه هندی، به دنبال ضربه زدن به انگلیس بود. سیاستی که نیمه تمام ماند و در دوره ی بعد دنبال نشد.

۳. میراث داری امیر کبیر

سایه سنگین امیر کبیر چه در زمان صدارت و چه در روزگار داوری محققان بر سر میرزا آقاخان باقی مانده است. به هر حال او صاحب میراث امیر کبیر بود. دوره صدارت نوری که از محرم ۱۲۶۸ ق آغاز و به محرم ۱۲۷۵ ق ختم می شود، شاهد مرحله ای خاص در سیاست داخلی و سیاست خارجی می باشد.

برخی محققین مدعی هستند که در سیاست داخلی میراث به جای مانده از دوران امیرکبیر حفظ شده و ادامه پیدا کرده از جمله مؤلف کتاب «میرزا آقاخان نوری» مدعی است که بنیادهای به جامانده از امیرکبیر بدون هیچ کم و کاستی پیگیری می شد و هیچ یک از آثار امیر از بین نرفت و دخالت شاه در امور داخلی و خارجی بیشتر شد و دیگر شاه ابزار دست صدراعظم نبود ولی کشمکش وزارت و سلطنت همچنان وجود داشت (مجتهد زاده، ۱۳۸۸: ۷۲). نیک نژاد نیز از جمله محققینی است که با قاطعیت سیاست صدرات نوری را ادامه امیرکبیر و حتی تکمیل کننده آن می داند و معتقد است که میراث امیرکبیر در سیاست داخلی و خارجی حفظ شد و ادامه پیدا کرد (نیک نژاد، ۱۳۸۸: ۷۲).

در سیاست داخلی تلاش های امیرکبیر برای نظم دادن به امور و درآمدهای کشور تا اندازه ای به وسیله نوری پیگیری شد. در همین راستا میرزا آقاخان نوری کار امیرکبیر را در تهیه بنچاق املاک دولتی تکمیل کرد (عین السلطنه، ج ۷، ۱۳۷۴: ۵۶۹۵). امیرکبیر کانون متشکلی از نیروهای ترقی خواه در دستگاه دولت ایجاد کرده بود. از جمله این اشخاص میرزا ملکم بود که در دوره نوری نیز به این افراد بها داده و از آن ها استفاده شد (آدمیت، ۱۳۵۴: ۲۱۱).

یکی از اقداماتی که موجب شد تا چهره دیپلماسی ایران رنگ فعال تری به خود بگیرد، صدور تذکره یا گذرنامه برای ایرانیان عازم خارج و منظم ساختن ثبت و ضبط مکاتبات سیاسی است (خلیلی، ۱۳۸۰: ۴۱). که مهم ترین منبع درآمد متفرقه دولت بود و از سال ۱۲۶۷ قمری یعنی دوران صدرات امیرکبیر اساس آن گذاشته شد.

امیرکبیر برای رفاه حال رعیت به مظالم می نشست این روند در دوره نوری نیز ادامه یافت. صاحب مرآت الوقایع مظفری معتقد است که این روش [مظالم نشستن] در عهد امیرکبیر و میرزا آقاخان نوری محکم بود (عبدالحسین خان سپهر، ۱۳۶۹: ۱۲۹).

رضا شعبانی و فریبا صنعتی ۲۱۵

در زمینه فرهنگی نگاه میرزا آقاخان نوری به اصلاحات امیر کبیر در مجموع مثبت ارزیابی می شود. از جمله اقدامات امیر ایجاد مدرسه دارالفنون بود. در دوره نوری دارالفنون تکمیل شد. (خورموجی، ۱۳۶۳: ۱۰۸).

از دیگر اقدامات نوری توجه به دانشمندان عالمان و مورخان و بذل مال به آن ها بود. از جمله به یک نوبت هزار تومان تقدیم میرزا حسن اصفهانی نمود (محبوبی اردکانی، ج ۱، ۱۳۷۴: ۲۷۰).

در میان اسناد نامه ای از میرزا آقاخان به تاریخ ۲۷ جمادی الاول ۱۲۷۱ خطاب به مؤید الدوله طهماسب میرزا مربوط به کاوش و حفاری آثار باستانی توسط انگلیس در بوشهر است. در این نامه نوری عنوان می کند که کسی مانع آن ها نشده و با آن ها همکاری کنند و تأکید می کند:

«اگر ضرر به قلعه شهر نرساند و مایه ضرر رعیت نشود و منقصتی به دولت عاید نگردد مانع نشوند و هر قدر عمده ضرور باشد اجرت گرفته کار کنند و اگر سنگی بیرون بیاید و بخواهند حمل به خارج نمایند، اگر ضرری برای دولت ندارد، به هیچ وجه معترض و مزاحم نگردند زیاده زحمت ندارد» (خان بابایی، ج ۲، ۱۳۷۵: ۱۸۴-۱۸۳).

در زمینه اقتصادی نیز نوری به امور صنعتی و کشاورزی توجه داشت. ساخت کارخانه هایی چون شمع سازی، شکر سازی، کاغذ سازی، ریسمان بافی، چلوار بافی و... همچنین اعزام صنعتگر به خارج همچنان ادامه داشت. در کتاب چارلز عیسوی آمده است بعد از امیر بنا بر سابقه فرستادن صنعتگر به خارجه، در سال ۱۲۷۵ ه.ق. عده ای هنرآموز به فرانسه فرستادند که در میان آن ها هیجده نفر موظف به آموختن ماهوت بافی، چینی سازی، کاغذگری و دیگر صنایع مفید بودند (عیسوی، ۱۳۸۸: ۴۵۵).

"نور چشم! در باب اتباع نمودن اسباب کارخانجات شرحی نوشته بودید، حالا فرصت کرده جواب می نویسم. اسباب کارخانجات شمع و شکر سازی را با قند ریزی که نوشته بودید، پول تسلیم حاجی میرزا محمد

برار کرده اید که در مکاریه بخرد، بسیار خوب؛ لکن من شما را می شناسم، در آن شهر احدی نشناسم، پس از برای ابتیاع نمودن اسباب کارخانه کاغذ سازی نوشته بودید، ده هزار تومان موجودی دارید که کارخانه زیاد خوب تمام کرده، انفاذ دارید. من مضایقه از ده هزار تومان دیگر دادن ندارم، اما می ترسم که بیست هزار تومان پول دولت را بدهم و اسباب چدن و آهن از برای من وارد طهران شود و مثل چرخ ریسمان بیکاره بیفتد، و اگر استاد آن هم بیاید شاید یک روزی برود و باز کارخانه بیکار بماند. اگر استادی خواهد آمد که علم خود را بیاموزد و مردم ایران را استاد و با وقوف نماید که به کار بعد از این مردم ایرانی بیاید نه فرنگی، بسیار خوب ده هزار تومان را می دهم، البته گرفته بفرستید؛ و اگر می دانید بی مصرف می شود، چه ضرور که پول دیوان به هدر رود." (دنیای اقتصاد، سال ۱۱، شماره ۳۰۷۶)

در دوران نوری تجارت نیز همچنان رواج داشته است و اسنادی مبنی بر توجه صدراعظم بر این امر موجود است. در دستورالعمل دولت در تاریخ ۱۱ جمادی الاول ۱۲۷۱ به کارپرداز ایران در تفلیس به ثبت مال التجاره هایی که از ایران به ولایات دیگر حمل و نقل می شد و همچنین مال التجاره هایی که از تبعه دولت ایران وارد ایران می شد، تأکید شده است (خانبابایی، ج ۴، ۱۳۷۵: ۲۸۹-۲۸۶).

در زمینه کشاورزی برای اولین بار در این دوره تخم چغندر قند در سال ۱۲۷۴ توسط دکتر پولاک به ایران آورده شد (محبوبی اردکانی، ج ۲، ۱۳۷۴: ۵۵۲). کاشت برنج نیز در جاهای مختلف ایران رواج داشت که از جمله آن چنپای فارس، عنبر بوی رشت و مهدیخانی قزوین بود (همان: ۱۵۷).

در زمینه نظامی برخی مورخین را نظر بر این است که میرزا آقاخان به دلیل سابقه لشکرنویسی نظام در میان لشکریان بسیار نفوذ داشت و در مسائل نظامی صاحب نظر بود. مخبرالسلطنه گزارشی می دهد که نوری استعداد فراوانی در لشکرنویسی داشت و

رضا شعبانی و فریبا صنعتی ۲۱۷

لشکریان را بیشتر به نام و نشان و نسب می شناخت و اگر از موجب هریک از لشکریان پرسشی می شد، به دفتر گزارش لشکر نامه می نوشت (مخبر السلطنه هدایت، ۱۳۶۲: ۶۵).

ایجاد وزارت نظام را ظاهراً از ابتکارات نوری می دانند. نوری برای این که شأن برادر بزرگ تر خود را بالا ببرد، وقتی به صدرات رسید برادرش میرزا فضل الله را که حاکم قم بود با لقب وزیر نظام به آذربایجان فرستاد. «مراد از وزارت نظام ریاست دارائی و امور مالی قشون بوده است.» (محبوبی اردکانی، ج ۲، ۱۳۷۴: ۷۱۷)

شاید بتوان از نقطه قوت های میرزا آقاخان نوری در پیگیری اصلاحات و توسعه ایران به تلاش های او برای آبادانی و عمران راه ها و ساخت عمارت ها، بناها، مساجد و اماکن عمومی اشاره کرد (اعتماد السلطنه، همان، ۱۳۶۷: ۱۷۲).

ناصرالدین شاه در خاطرات خود از بنای صدرآباد که کاروانسرای آجری از میرزا آقاخان بود و همچنین مرمت کاروانسرای قدیمی در حوض سلطان توسط نوری نام برده است (قاضی ها، ۱۳۷۳: ۱۴۲ و ۱۷۳).

در زمینه سیاست خارجی اگر چه شعار نوری مبنی بر بی طرفی سیاست ایران بود (همان: ۲۸۶-۲۸۵)، ولی در اوایل تمایل به سوی انگلیس داشت و بعد از ماجرای هرات و از دست دادن انگلیس و از سویی تمایل شاه به روس ها، نوری نیز سعی کرد به روسیه نزدیک شود (خانباایانی، ج ۴، ۱۳۷۵: ۸۸۴).

در دوران امیر کبیر موضوع مطالبه بقیه غرامت ترکمنچای در میان بود اما به دلیل این که تمام توجه امیر در تهیه پول و تعدیل دخل و خرج کشور بود، مقاومت نموده و موعد پرداخت را به تعویق انداخت. در زمان میرزا آقاخان نوری در سال ۱۲۶۹ ه. ق طی نامه ای صدراعظم توسط سفیر ایران تقاضای تمدید مهلت ده ساله نمود که مورد موافقت روس ها قرار نگرفت اما در طی جنگ های کریمه میان روس و عثمانی و متحدین وی روس ها در ۱۸ محرم ۱۲۷۱ ه. ق قرارداد محرمانه ای در چهار فصل با ایران و با امضای میرزا آقاخان منعقد کردند و قرار شد ایران در جنگ های کریمه بی

طرف مانده، به عثمانی و متحدینش کمک نموده و از فرستادن آذوقه و اسلحه به آنها خود داری نمایند. در سال ۱۲۷۲ه.ق که جنگ های کریمه خاتمه یافت به دلیل پایبندی ایران به تعهداتش و علاوه بر آن نیاز روسیه به ایران به دلیل نقشه هایی که در مورد هرات و افغانستان داشت، به موجب معاهده از مطالبه باقیمانده غرامت دست برداشت (همان، ج ۲، ۱۳۷۵: ۱۳۳).

در دوران امیرکبیر قرار بر این شد ایران برای بازرگانان روس بنایی در استرآباد ساخته و سالانه اجاره آن را دریافت و چنانچه روس ها به خرج خود آن بنا را مرمت نمایند بابت مال الاجاره منظور دارند و اگر بنای تازه ای بسازند پس از پایان مدت اجاره به ایران تعلق گیرد. پس از امیر روس ها موضوع خرید بنا را پیش گرفتند اما دولت مخالفت کرد و نوری به بیگلربیگی استرآباد در جمادی الاول ۱۲۶۸ه.ق دستور داد:

«حسب الامر همایون به شما می نویسم که هرطور است حساب مخارج این بنای جدید را جويا شوید و الی دینار آخر آنچه خرج کرده اند موافق حساب به آنها از قرار اجاره نامه معتبره به اجاره بدهید و دست تصرف آنها را به ادعای اخراجات بنای جدید کوتاه نمایید که به هیچ وجه من الوجوه سخن حسابی در آن وارد نیاید و منبعد هم قدری بهتر از این مواظب و مراقب امورات باشید.» (آدمیت، ۱۳۵۴: ۴۷۶)

در فهرستی که نوری عملکرد خود را به ناصرالدین شاه شرح داده است، از جمله خدمات خود را چنین بر می شمارد: فقره ممانعت کردن میرزا های سفرای خود از آمدن به حضور صدراعظم، ممنوع کردن سفر از آمدن به تکیه دولتی، جلوگیری از ورود کشتی های جنگی روس به مرداب انزلی، عزل استیونس قونسول انگلیس و الگو روکی وزیر مختار روس، ممنوع کردن نیرو های خارجی از خرید ملک در ایران، تلاش برای بیدق زدن ایران در عثمانی، موقوف کردن بست سفارتخانه ها و قونسول و

بیرون آوردن رعایای ایرانی از سفارتخانه ها، معاهده با آمریکا و دول اروپایی و... (بهمن بیانی، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۲۰)

۴. تغییر مسیر در اصلاحات امیر کبیر

برخی از محققان به خاطر علاقه مفرط به امیر کبیر کارنامه میرزا آقاخان نوری را زیر سؤال برده و او را نقطه مقابل تمام خوبی های امیر قرار می دهند. این گروه شروع صدارت نوری را پایانی برای اصلاحات امیر می دانند و معتقدند که نوری نتوانست پس از عزل امیر کبیر اصلاحات او را دنبال کند و با اتخاذ سیاست های نادرست و گرفتن دستورالعمل از خودی و بیگانه شیرازه امور را از هم گسست و به نحوی دردوران صدارت خود بد عمل نمود که شاه بعد از عزل وی تا مدتها از انتخاب صدراعظم خودداری می کرد.

« بعد از کشته شدن امیر ملت ایران متوجه شدند که ناصرالدین شاه قلباً خواستار ترقی و سعادت ایران و ملت ایران نبوده و چون امیر را موجد تعالی و ترقی ایران می دانست، موجبات عزل و قتل او را فراهم کرد و ... صدارت ایران را به دست مرد خائن پول دوستی به نام میرزا آقاخان نوری داد تا به دست آلوده و کثیف این مرد همه آثاری که از میرزاتقی خان به وجود آمده بود محو و نابود کند.» (والی زاده، ۱۳۸۰: ۵۵۴)

یکی از اقدامات امیر کبیر حذف القاب و عناوینی بود که بی حساب به افراد می دادند. حتی شخص امیر را تنها با لقب جناب خطاب می کردند. در مقابل، نوری گرایش بسیاری به القاب و عناوین داشت و تلاش می کرد تا با آب و تاب القاب را برگرداند. عناوین طولانی چون «شخص اول و نویین اعظم و جناب اشرف امجد افخم» (خورموجی، ۱۳۶۳: ۱۰۸-۱۰۷).

امیرکبیر در شیوه حکومتی فضیلت سالاری را پیشه خود ساخت و افراد شایسته را وارد دستگاه دولتی و نظام دیوان سالاری کرد. اما نوری طبق روایت خورموجی: "حکام و فرمان روایان امصار و بلاد را بر وفق مصلحت تغییر و تبدیل داد." (خورموجی، همان: ۱۰۶).

"هم در این سال میرزا علیخان ولد صدراعظم که با قصر قامت و نقصان خلقت و قباحت هیأت و ناخوشی لهجه توأم بود و با خردسالی، پیران سالخورده را سخریه و استهزاء می نمود به صوابدید صدرات عظمی درسلک اعظم و وزرا منسلک گردید. همچنین حاجی محمد هاشم خان نوری که مهرعلیخان رابه مناسبت نسبت، برادر اکبر و در سایر مناسبات هیچ نسبت ندارد حلیم و درویش نهاد، باوفا و نیک اعتقادات دیوان بیگی مملکت فارس گردید." (خورموجی، ۱۳۶۳: ۱۴۱-۱۴۰ و ۱۰۷)

در ملاقات فرخ خان امین الملک با لردپالمرستون، صدراعظم انگلیس به وی گفت در میان لشکر شما قانونی نبود اطفال کوچک را منصب می دادند و صاحب منصبان قدیم را بی تقصیر اخراج می کردند (خانبابیانی، ج ۵، ۱۳۷۵: ۶۲۱). علاوه بر این از جمله اتهامات نوری مزایده مقامات دولتی و واگذاری آن ها به افراد نالایق باتوجه به پیوندهای خانوادگی و روابط شخصی است. نتیجه این عملکرد چیزی نبود جز روی کار آمدن حاکمانی که لیاقت چندانی برای حکمرانی نداشتند و دیگر مردم رابه عنوان ودیعه ی خداوند نمی نگریستند و در گروآسایش رعیت نبودند و چون بینوایی از رعیت شکایت می کرد در نهایت خود وی مقصر شناخته و تنبیه می شد (خانبابیانی، ج ۶، ۱۳۷۵: ۸۰۸-۸۰۷). از جمله اقدامات اصلاحی امیرکبیر مبارزه بار شوه گیری بود. در واقع "امیرنظام در... ترک عادات رذیله و حالات ذمیمه از گرفتن تعارف و رشوه ... و غیرها چیزی فرو نگذاشت" (محمود محمود، ج ۲، بی تا: ۶۱۰).

رضا شعبانی و فریبا صنعتی ۲۲۱

ناگفته نماند اگر تغییر مسیر و برخی محدودیت هایی برای دارالفنون ایجاد شد، تنها سیاست صدراعظم نبود بلکه ناصرالدین شاه نیز به مواد درسی و نحوه اداره آن بسیار حساس بود و موضع مخالف شاه نقش تعیین کننده ای در عدم پیشرفت همه جانبه مدرسه داشت (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

امیرکبیر تلاش کرد برای تبدیل مخارج دولت، حقوق و مزایای کارمندان و شاهزادگان دربار را کاهش دهد. امیر در اوایل صدارت خود، با کمک میرزا آقاخان نوری که آن وقت با سمت وزارت لشکر در دولت مشغول بود، خراج مملکت را با خرج دولت موازنه کردند، یک "میلیان تومان فاضل خرج بردخل" بود (محبوبی اردکانی، ج ۱، ۱۳۷۴: ۱۶۴). درحالی که امیرکبیر حقوق کارمندان را کم می کرد، نوری برای جلب دوستی آن ها، حقوق را بار دیگر افزایش داد. شاید ستایش افرادی چون سپهر از میرزا آقاخان نوری به این دلیل است.

"میرزا آقاخان بیعضی جهات که خواست مردمرداری و قبیلہ داری کند و خیال خودش را هم بر کار دولت قدری مرجح و مقدم می داشت نتوانست آن چرخ را بگرداند و آن رشته را درست بانتهای برساند خرج دولت را بجهت تکثیر مواجب و مرسوم اولاد و اقوام و اقارب خودش زیاد کرد و بر دخل دولت هر جا ممکن بود افزوده شود بجهت قلیلی که برای خود اخذ می کرد نیفرود" (خانبابایی، ج ۶، ۱۳۷۵: ۷۹۲)

اصلاحات امیر کبیر از نظر نظامی باعث انسجام و قدرت قشون ایران شد. بر خلاف حامیان نوری گروه دوم معتقدند که در دوران صدارت میرزا آقا خان توجه به نظام و سپاهیان به فراموشی سپرده شد و امور لشکری اهمیت خود را از دست داد. فورو کاوا نیز از جمله این افراد است که در سفر نامه خود در باره وضعیت قشون ایران می نویسد که با روی کار آمدن نوری قشون دوباره رو به ضعف رفت (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۷۵).

"بلی بحث نبود که هر فوجی برای سرتیپ سالی شش هزار تومان عایدی داشت والته دوسه برابر این مبلغ هم باید افسران پایین تر که شصت هفتاد نفر بودند بقدر رتبه خود دخل داشته باشند تا این مبلغ بدون زحمت عاید... خان سرتیپ بشود. کم کم این دو عنوان هم برای امیر تومانها و سرتیپ های اول جزء القاب شده بود... تمام هرج و مرج ها وحیف و میل ها ریشه ای جز گشاد بازی هائی که میرزا آقاخان معمول کرده بود نداشت" (مستوفی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۱۰۳)

امیر کبیر چون در میان قشون نشوونما کرده بود، در زمان او قشون روبه نظم و ترقی گذاشت. در دوران کوتاه صدرات خود ارتش رابه صد و بیست هزار نفر رساند. در حالی که میرزا آقاخان هجده هزار نفر از تعداد قشون کاست و فوج های هزار نفری را هشتصد نفر قرارداد و چند فوج که بیش از پنج هزار نفر بودند، اخراج شدند. دبیر الملک معتقد است که چون نظم امیر شخصی بود و قانون دولتی مقرر نداشت نظم قشون بعد از امیر برقرار و پایدار نماند (خان بابایی، ج ۶، ۱۳۷۵: ۸۰۰ و ۷۹۲). دیگر مشکلات و معایب قشون از این قرار بود:

- ۱- اگر فوجی برای مأموریتی احضار می شد، سه ماه یا بیشتر طول می کشید تا به دارالخلافه برسد تا چه رسد به محل مأموریت.
- ۲- طمع سرکرده های بی نظم تربیت نشده که خود را صاحب فوج می دانستند. و از دست آنان چیزی به سربازان نمی رسید.
- ۳- طمع حکام که علاوه بر این که مواجب نمی دادند، از قشون نیز مداخل می خواستند. برخی حکام نیز قشون را برای جمع آوری مالیات می فرستادند و قشون به مال رعیت طغیان می کرد و حکام این را عوض مواجب قشون حساب می کرد. علاوه بر این که مواجب درستی به قشون نمی رسید، اوضاع رعیت هم خراب و ازدولت هراسان و گریزان می شدند.

۴- عدم تعیین زمان مأموریت و خدمت قشون. گاهی یک فوج دویا سه سال در حال خدمت بود در حالی که فوج دیگر سه یا چهار سال به جایی مأمور نمی شد.

۵- تفاوتی میان خادم و غیرخادم وجود نداشت. تاخادم به واسطه ی رشادت و جلادت خود امیدوار باشد.

۶- از دیگر معایب قشون این بود که جیره و مواجب آنها تمام وبه وقت نمی رسید. لذا قشون دست به تعدی و تکدی می زد (همان، ۸۰۲-۸۰۰).

در زمینه سیاست خارجی امیرکبیر نسبت به دخالت های خارجی در امور مملکت بسیار حساس بود و با شجاعت با آن ها برخورد می کرد. بی شک یکی از دلایل ماندگاری نام امیر همین نحوه تعامل او با دخالت های خارجی است. در دوره میرزا آقاخان اوضاع قدری دگرگون شد و بیگانگان حتی در عزل و نصب مقامات پایین دولتی نیز دخالت می کردند. در دوران صدارت نوری یکی از وظایف مأموران انگلیسی در ایران علاوه بر دخالت در کارهای دولتی، حمایت از عناصر ناراضی و حتی مجرم بود (امین الدوله، ۱۳۷۹: ۳۷۷).

دردوره صدارت نوری در حفظ تمامیت ارضی کشور مشکلات جدی پدید آمد. میرزا آقاخان در اواخر صدارت خود با قاطعیت بیشتری در مقابل دخالت خارجی قرار گرفت تلاش های نوری برای جلوگیری از دخالت خارجی، بالأخره آن ها را علیه این صدراعظم تحریک کرد. تا آن جا که انگلیس در عهد نامه پاریس، عزل نوری از صدارت عظمی را جزو شروط صلح قرارداد.

۵. نتیجه

در جمع بندی نهایی باید گفت کارنامه میرزا آقاخان نوری در مقابل دو رویکرد کلی قرارداد. جریان اول مدعی هستند که بنیادهای به جا مانده از امیرکبیر بدون هیچ کم و کاستی پیگیری می شد و هیچ یک از آثار امیر از بین نرفت. گروه دیگری که امیر کبیر

را اسطوره اصلاحات می دانند، کارنامه نوری را زیرسؤال می برند و او را نقطه مقابل تمام خوبی های امیرکبیر قرار می دهند. این گروه جریان اصلاحات را پس از امیر ناکام می دانند و معتقدند که نوری نتوانست اصلاحات امیرکبیر را دنبال کند.

سؤالی که در این جا مطرح می شود این که چرا میرزا آقاخان به سرنوشت امیرکبیر دچار نشد؟ نوری با سیاست خاص خود قدرت را در دست خود متمرکز کرده بود و شاه نیز بارها متذکر شده بود که همه امور را به صدراعظم سپرده است و بر درستی امور به وی تأکید داشت. (خانبابایی، ج ۴، ۱۳۷۵: ۲۹۷) و حالا نوری به صدراعظمی قدرتمند تبدیل شده بود و شاه در قتل وی احتیاط می کرد. شاید عواقب کار را در نظر گرفته بود. از سوی دیگر بزرگ ترین جرمی که نوری به آن متهم بود، عهدنامه پاریس و جدایی افغانستان بود. در فصل چهارم عهدنامه، ایران تعهد کرده بود طبق یک عفو نامه رعایایی که در زمان جنگ، با انگلیس مراد و مرتکب خیانتی شده بودند، عفو و مورد اذیت قرار نگیرند. از این رو شاه در صدد بود تا خلاف عهدنامه عمل نکرده و مورد مؤاخذه انگلیس قرار نگیرد. در دوره صدرات نوری در حفظ تمامیت ارضی کشور مشکلات جدی پدید آمد. میرزا آقاخان در اواخر صدارت خود با قاطعیت بیشتری در مقابل دخالت خارجی قرار گرفت تلاش های نوری برای جلوگیری از دخالت خارجی، بالأخره آن ها را علیه این صدراعظم تحریک کرد. تا آن جا که انگلیس در عهد نامه پاریس، عزل نوری از صدرات عظمی را جزو شروط صلح قرار داد. وقتی امیربه صدارت رسید دست به اصلاحات زد که این اصلاحات را می توان به طور خلاصه این گونه عنوان کرد: (۱) اصلاح امور مالی؛ (۲) اصلاح وضع نظام؛ (۳) توجه به مسائل اقتصادی؛ (۴) اصلاحات اداری؛ (۵) توسعه فرهنگی.

هرچند گروهی که زمینه های عزل امیرکبیر را فراهم آورده بودند، در واقع، خواستار توقف اصلاحات امیر نیز بودند اما با توجه به اقتضای زمان و خواست صدراعظم و ناصرالدین شاه برخی از اصلاحات امیرکبیر پیگیری و تکمیل شد. برخی دیگر، تغییر مسیر و بخشی از اصلاحات نیز ناکام ماند و در ناکامی و عدم تداوم اصلاحات امیر باید

در کنار برخی اهمال کاری های نوری به عواملی چون: عدم بنیادهای نظری مستحکم اصلاحات؛ رویکرد اقتدارگرایی امیرکبیر بر اصلاحات؛ نارسایی برخی رهیافت های عملی امیرکبیر چون رابطه با شاه، دربار و دیوان را نیز باید در نظر داشت (اکبری، ۱۳۸۴: ۷۵-۶۱). بنابراین، روند اصلاحات امیرکبیر در دوران صدارت نوری را می توان به شرح ذیل خلاصه و نتیجه گیری نمود:

۱. پس از قتل امیرکبیر منصب صدارت به میرزا نصرالله خان مشهور به میرزا آقاخان نوری، ملقب به اعتمادالدوله، دشمن سرسخت امیرکبیر سپرده شد.
۲. میرزا آقاخان نوری به هنگام تفویض صدارت به او، اعدام امیرکبیر را شرط قبول صدارت قرار داده بود.
۳. اعتمادالدوله به هیچ وجه کفایت و کاردانی امیرکبیر را نداشت.
۴. در قدم اول اعتمادالدوله غالب حکام و ولایات و کارفرمایان منصوب امیرکبیر را معزول نمود و آشنایان و بستگان خود را به جای ایشان گماشت.
۵. اعتمادالدوله مقداری از مستمریات و مواجب های بیجا را که امیرکبیر به صلاح خزانه دولت قطع کرده بود، برقرار ساخت.
۶. میرزا آقاخان تلاش نمود از این راهها اکثر اصلاحات امیرکبیر را محو کند.
۷. در دوره صدارت اعتمادالدوله که از سال ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۵ طول کشید، بر اثر بی تدبیری او، حادثه شومی برای کشور پدید آمد.
۸. جنگ آق در بند سرخس و تسخیر ناموفق هرات و انعقاد عهدنامه پاریس نمونه های از عملکردهای ویرانگر میرزا آقاخان نوری بود.

منابع

- آدمیت، (۱۳۵۰)، فریدون، *امیرکبیر و ایران*، انتشارات خوارزمی، تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۷۰)، *صدرالتواریخ*، به کوشش محمد مشیری، روزبهان، تهران.

- اعتماد السلطنه، محمد حسن (۱۳۶۷)، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن (۱۳۵۷)، خلسه، به کوشش محمود کتیرایی، انتشارات توکا، تهران.
- افضل الملک، (۱۳۶۱)، افضل التواریخ، مصحح منصوره اتحادیه، نشر تاریخ ایران، تهران.
- اکبری، محمد علی، (۱۳۴۸)، چالش‌های عصر مدرن در ایران عهد قاجار (مجموعه مقالات)، انتشارات روزنامه ایران، تهران.
- امانت، عباس (۱۳۸۳)، قبله عالم، ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۳۱۳-۱۲۴۷)، ترجمه حسن کامشاد، نشر کارنامه، مهرگان، تهران.
- حبیبی، حسن و محمد باقر وثوقی (۱۳۸۷)، بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندرعباس، بنیاد ایران‌شناسی، تهران.
- پولاک، ادوارد (۱۳۶۱)، سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاوس جهان‌انداری، انتشارات خوارزمی، تهران.
- خورموجی، محمد جعفر (۱۳۶۳)، حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیو جم، نشر نی، تهران.
- ساسانی، خان ملک (۱۳۷۹)، سیاست گران دوره قاجار، مگستان، تهران.
- سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۶۹)، مرآت الوقایع مظفری، مصحح عبدالحسین نوایی، میراث مکتوب، تهران.
- سپهر، میرزا محمد تقی خان (۱۳۷۷)، ناسخ التواریخ، تاریخ قاجاریه، به اهتمام جمشید کیانفر، اسلامیه، تهران.
- سفرهای ناصرالدین شاه به قم (۱۳۸۱)، تصحیح فاطمه قاضی‌ها، سازمان اسناد ملی ایران، تهران.

رضا شعبانی و فریبا صنعتی ۲۲۷

- ظل السلطان، مسعود میرزا (۱۳۶۲)، تاریخ سرگذشت مسعودی، زندگینامه و خاطرات ظل السلطان، همراه با سفرنامه فرنگستان، انتشارات بابک، تهران.
- عیسوی، چارلز (۱۳۸۸)، تاریخ اقتصادی ایران: عصر قاجاریه، ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق. ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، تهران.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات عین السلطنه، مصحح مسعود سالور و ایرج افشار، نشر اساطیر، تهران.
- فسایی شیرازی، میرزا حسن (۱۳۶۷)، فارسنامه ناصری، تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، امیر کبیر، تهران.
- فورو کاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴)، سفرنامه فورو کاوا، ترجمه هاشم رجب زاده و کینیچی نئه اورا، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- مافی، حسین قلی خان نظام السلطنه (۱۳۶۲)، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، مصحح معصومه مافی و دیگران، نشر تاریخ ایران، تهران.
- مجتهدزاده، پیروز، میرزا نصرالله (آقاخان) (۱۳۸۴)، اعتمادالدوله صدر اعظم نوری (بزرگترین قربانی تاریخ نویسی برای قهرمان پروری)، نشر انتخاب، تهران.
- محمود، محمود (بی تا)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، اقبال، تهران، بی تا.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۵)، شرح زندگانی من، زوار، تهران.
- ممتحن الدوله، محمد (۱۳۵۳)، خاطرات ممتحن الدوله، مصحح حسین قلی خان شقاقی، امیر کبیر، تهران.
- نیک نژاد، علیرضا (۱۳۸۸)، میرزا آقاخان نوری، قربانی تاریخ نویسی معاصر ایران، انتخاب، تهران.
- والی زاده، محمد رضا (۱۳۸۰)، تاریخ لرستان روزگار قاجار، تهران: انتشارات حروفیه، تهران.

صوتی، محمد علی (۱۳۶۲)، گزارش ایران (قاجاریه و مشروطیت)، مقدمه سعید وزیری، نشر نقره، تهران.

بیانی، بهمن (۱۳۸۸)، «نامه‌ای از میرزا آقاخان نوری به ناصرالدین شاه به عملکرد صدارتش»، پیام بهارستان، سال اول، شماره چهارم، تابستان، تهران.

خلیلی، محسن (۱۳۸۰)، «تصمیم‌گیری در روابط خارجی» تاریخ معاصر ایران، سال ۵، شماره ۱۷، بهار، تهران.

رحمانیان، داریوش (۱۳۷۸)، «نگاهی به سیر اندیشه تجدد در ایران (از عباس میرزا تا امیر کبیر)»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.

R.G Watson(1966), *A history of Persia from the beginning of 19th century to the year 1858*. London.

Laidy , M,(1856), *climpes of life and manners In Parsia*, London, Sheil.

Sir, Harford, jones, bridges,(1976), *an account of the transaction of his majestys mission to the court of Persia in the years 1807- 11*, London.